

## صلاحیت سارنوال در مقام تحقیق جرم

داکتر ضامن علی حبیبی\*

چکیده

اجراآت عدالت جزایی در افغانستان بر یک سلسله اصول و قواعد کلی استوار است که از جمله اصل ترتب و اصل استقلال و بی طرفی نهاد تحقیق در یک پروسه عدالت جزایی است.

بر اساس اصل ترتب در اجراآت عدالت جزایی، کشف جرم و وظیفه پولیس و تحقیق و اقامه دعوا بر ضد متهم، وظیفه سارنوال و دادرسی و صدور حکم، وظیفه قاضی است. سارنوال بر اساس حکم ماده ۱۴۵ قانون اجراآت جزایی مصوب ۱۳۹۳، در جریان تحقیق یک دوسیه جزایی، اقدامات زیر را انجام می دهد: تفهیم اتهام بر متهم و اعلام علت گرفتاری، بازجویی و استنطاق از متهم به منظور کشف حقیقت و برخورداری متهم از حقوق بشری که قانون برایش به رسمیت شناخته است؛ زیرا تحقیق متهم دو جنبه دارد: یک جنبه تحقیقاتی که با اظهارات متهم ابعاد قضیه جرمی روشن می شود. دوم جنبه دفاعی متهم است که متهم با اطلاع از اتهام برای دفاع و رفع اتهام، آمادگی می گیرد و از حقوق قانونی متهمین برخوردار می گردد. استجواب از شهود و اهل خبره به منظور شناسایی مرتکب جرم و کیفیت وقوع

\* دکترای حقوق جزا و جرم شناسی و استاد دانشگاه.

جرم و تفتیش منازل و اماکن عمومی و جمع‌آوری دلایل و مدارک اثبات‌کننده جرم و تیرنه‌کننده، به طور مساویانه از وظایفی است که سارنوال تحقیق انجام می‌دهد.

واژگان کلیدی: سارنوال، تحقیقات جنایی، عدالت جزایی، کشف جرم، معاینه محل، تفتیش.

## طرح بحث

در سیاست جزایی افغانستان بر اساس ترتیب اجراءات عدالت جزایی، کشف جرم وظیفهٔ پولیس، تحقیق وظیفهٔ سارنوال و محاکمه وظیفهٔ قاضی است. در افغانستان نهاد سارنوالی مسؤولیت تحقیق جرایم، اقامهٔ دعوای جزایی و اجرای احکام محاکم را به عهده دارد؛ ولی در این نوشتار صلاحیت و وظایف سارنوال، در مقام تحقیق جرایم، بر اساس قانون اجراءات جزایی مصوب ۱۳۹۳ بررسی می‌شود؛ زیرا قانون، مسؤولیت تحقیقات مقدماتی را به عهدهٔ سارنوال گذاشته است.

منظور از تحقیقات جنایی، مجموعه اقداماتی است که از طرف سارنوال و یا توسط پولیس به منظور تکمیل و تمهید دلایل - اعم از دلایل اثبات جرم و دلایل مفید به حال متهم - با توجه به اصل برائت صورت می‌پذیرد و هدف اصلی آن، آماده‌سازی دوسیه و تسهیل و تسریع رسیدگی در محکمه است. مطابق مادهٔ ۱۳۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۲ و مادهٔ ۱۴۵ قانون اجراءات جزایی مصوب ۱۳۹۳، تحقیقات جنایی، وظیفهٔ سارنوال است که سارنوال مکلف است طبق احکام قانون، اقدامات و تحقیقات خود را انجام دهد و بر اجراءات کشفی پولیس نظارت نماید؛ زیرا تمام اجراءات کشفی پولیس تحت نظارت و هدایت مقام سارنوالی انجام می‌شود. «مدارک به صورت عموم و از جمله جمع‌آوری اطلاعات کشفی تابع نظارت سارنوالی و محکمهٔ مربوطه می‌باشد؛ پس اگر مقامات قضایی مأمور ضبط قضایی را در جمع‌آوری اطلاعاتش تأیید نماید، اطلاعات کشفی درست و قانونی بوده، قاضی می‌تواند در ساختار حکم خویش از آن استفاده نماید. قابل یادآوری است که نظارت محکمهٔ مربوطه به جدیت اطلاعات کشفی و ارزیابی آن به صورت مطلق نبوده؛ بلکه اگر دفاعیه در زمینهٔ عدم

جدیدت اطلاعات کشفی در پیشگاه محکمه تقدیم شد، محکمه باید این دفاعیه را مورد اهتمام و توجه قرار دهد؛ زیرا این گونه دفاعیه‌ها از جمله دفاعیه‌های جوهری و اساسی شمرده می‌شود، که محکمه باید جواب آن را ارائه دارد؛ در صورت عدم بیان علل و اسبابی که برای حکم ضروری است، حکم محکمه ناقص می‌باشد؛<sup>۱</sup> بنابراین، سارنوال در مقام تحقیق، طبق احکام قانون، اقدامات زیر را انجام می‌دهد:

### الف) تحقیق جرم

بررسی همه‌جانبه واقعه جرمی است به اساس دلایل جمع‌آوری شده توسط سارنوالی به طریق استجواب و استنطاق از متهم، استماع بیانات شهود و ناظرین و ارزیابی دلایل و مدارک جرمی جمع‌آوری شده به منظور تثبیت وقوع یا عدم وقوع جرم، شناخت مرتکب و انتساب اتهام به متهم در حدود احکام قانون، تحقیقات راجع به جرائمی که مستنطق یا ضابطان دادگستری (مأمور ضبط قضایی) می‌گیرند و منتهی به صدور قرار مجرمیت یا قرار منع تعقیب می‌شود.<sup>۲</sup>

### ب) تفتیش

تفتیش در لغت جست‌وجو و تحقیق است و بازجویی در جرم را تفتیش گویند.<sup>۳</sup> بازرسی اماکن، اشیاء و اسناد است به منظور گرفتاری مظنون یا متهم، ضبط اشیاء و حفظ مدارک جرم. «تفتیش عبارت است از بحث و جست‌وجو در اسرار یک فرد از ادله‌ای که برای تحقق جرم، جنایت یا جنحه در حالی که واقع شده و ادله علیه وی در ارتکاب آن قایم گردیده، مؤثر و مفید واقع شود. محل تفتیش گاهی خود شخص است و گاهی محلاتی است که از مصونیت برخوردارند.<sup>۴</sup>

۱. ایمن الراشد و دیگران، شرح سلوک قضایی، ص ۱۸۳.

۲. محمدجعفر جعفری، ترمینولوژی حقوق، انتشارات جنگل، تهران، ج ۲، ص ۱۱۵۵.

۳. همان، ص ۱۳۶۲.

۴. نجیب محمود حسنی، شرح قانون الاجراءات الجنادیه، ۱۹۹۸ ص ۷۰.

## ج) مدارک

آثار جرم، علائم، شواهد و اشیایی است که از محل ارتکاب جرم یا محل دیگر یا بدن یا لباس مظنون یا متهم به دست آمده و در نتیجه معاینات تخصصی از طرف اهل خبره، مرتبط به جرم یا مرتکب، تشخیص گردیده باشد.<sup>۱</sup>

## د) جنایت

جنایت؛ یعنی گناه و جرم در حقوق جزای اسلام هر عمل (فعل یا ترک) است که بر آن عقوبت یا قصاص مترتب گردد. مصب جنایت جسم و جان آدمی است در حقوق جزای عرفی به اقتباس از حقوق فرانسه، جرم‌ها را به حسب شدت و ضعف کیفرها به چهار گروه بخش کرده‌اند: جنایت، جنحه بزرگ و جنحه کوچک، خلاف. از روی کیفرها جنایت را می‌شناسند.<sup>۲</sup>

## گفتار اول: تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی عبارت از مجموعه اقداماتی است که به وسیله مقامات قضایی برای کشف جرم، جمع‌آوری دلایل و جلوگیری از فرار یا مخفی‌شدن متهم و اظهار نظر در خصوص قابل تعقیب‌بودن یا نبودن او به عمل می‌آید. تحقیقات مقدماتی سرنوشت قضایی متهم را تعیین می‌کند؛ ممکن است او را از تعقیب جزایی معاف سازد یا به پای میز محاکمه بکشاند؛ بدین توضیح، هرگاه در این مرحله دلایل و قرائن کافی علیه متهم جمع‌آوری شود، با صدور قرار مجرمیت و متعاقب آن با صدور کیفرخواست - به شرحی که بیان خواهد شد - دوسیه (پرونده) امر جهت رسیدگی به دادگاه جزایی ارسال می‌شود و الا بر حسب مورد، منع تعقیب و یا موقوفی تعقیب صادر می‌گردد.<sup>۳</sup> به عبارت دیگر، تحقیق عبارت از مجموعه اقداماتی است که توسط سارنوال به منظور به دست‌آوردن اطلاعات بیش‌تر، جهت تکمیل شواهد و تسریع روند محاکم انجام می‌پذیرد؛ چنانچه قانون اجراءات جزایی مصوب ۱۳۹۳

۱. قانون اجراءات جزایی مصوب ۱۳۹۳ ماده ۴.

۲. محمدجعفر جعفری، ترمینولوژی حقوق، انتشارات جنگل، تهران، ج ۲، ص ۱۵۷۱.

۳. محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سازمان چاپ و انتشار، تهران، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۸۸.

تحقیق را این‌گونه تعریف نموده است: «بررسی همه‌جانبه واقعه جرمی است به اساس دلایل جمع‌آوری شده توسط سارنوالی به طریق استجواب و استنطاق از متهم، استماع بیانات شهود و ناظرین و ارزیابی دلایل و مدارک جرمی جمع‌آوری شده به منظور تثبیت وقوع یا عدم وقوع جرم، شناخت مرتکب و انتساب اتهام به متهم در حدود احکام قانون»<sup>۱</sup>.

## مبحث دوم: آغاز تحقیقات جنایی

### گفتار اول: وظایف اتباع و مسئولین حین اطلاع از وقوع جرم

چون وقوع جرایم، نظم عمومی و امنیت همگانی را مختل می‌سازد، در واقع متضرر از جرم جامعه است. از این محبت قانون‌گذار برای اتباع و مسئولین امنیتی و قضایی مکلفیت‌هایی را بیان نموده است. ماده پنجاه و هفتم قانون اجراءات جزایی مقرر می‌دارد:

(۱) اتباع کشور با رعایت سایر احکام این قانون در صورت آگاه‌شدن از وقوع جرم یا مشاهده آن، مکلف‌اند موضوع را طور کتبی یا شفاهی و یا با استفاده از وسایل الکترونیکی به پولیس یا سایر مأمورین ضبط قضایی یا سارنوال اطلاع دهند.

(۲) اطلاع کتبی حاوی هویت، امضاء، تاریخ و یا نشان انگشت اطلاع‌دهنده می‌باشد. اطلاع شفاهی درج محضر گردیده، اطلاع‌دهنده در صورت حضور و مؤظفی که آن را دریافت نموده و در آن امضا می‌نماید.

(۳) عواقب جزایی اطلاع دروغ به اطلاع‌دهنده تفهیم و در محضر درج می‌گردد.

(۴) به اطلاع بدون امضاء و شهرت اطلاع‌دهنده بعد از علم‌آوری دقیق از طرف مرجع مربوط، ترتیب اثر داده می‌شود.<sup>۲</sup> پولیس برای آگاهی‌یافتن از واقعیت یک حادثه کیفری و غیر کیفری، وسایل اطلاعاتی زیادی را در اختیار دارد که از هریک به نوعی می‌تواند استفاده کند. یک شیوه از طریق آگاهی‌یافتن از حوادث این است که پولیس به هیچ وجه منتظر دریافت

۱. محمود آخوندی، همان.

۲. قانون اجراءات جزایی مصوب ۱۳۹۳.

خبر، اطلاعیه، اعلامیه و شکایتی نمی‌شود و شخصاً یک سلسله برنامه‌های وسیع کسب خبر را به وسیله سازمانی که برای این کار مجهز کرده، طرح و اجرا می‌کند؛ این را هم اطلاع می‌نامند. منظور از اطلاعات، معلوماتی است که پولیس از منابع مختلف به دست آورد؛ مانند دریافت اطلاعات از مخبران، رانندگان، بزه‌کاران سابق یا فعلی، وزارتخانه، بایگانی‌ها، اعزام مأموران به ویژه به محل‌های مورد نظر، تحت نظر و تعقیب محرمانه قراردادن اشخاص، استفاده از وسایل سمعی، بصری و ارتباطی، مذاکره و مصاحبه حضوری با اشخاص مظنون و... که همگی از مصادیق جاری اخذ اطلاعات هستند.

طریق دیگر اخذ اطلاعات این است که پولیس بدون اقدام مستقیم و فعالیت خاصی، از وقوع حوادث (جزایی و غیر آن) مستحضر می‌شود. طریق اخیر اشکال مختلف دارد و به این سه طبقه کلی قابل تقسیم است:

الف) اطلاعات، شکایات و برخی صورت‌مجلس‌ها؛

ب) اجرای دستورات مقامات قضایی و اداری و گزارش‌ها؛

ج) اقرار و اظهارات.

به طور کلی تمام این‌ها اعلام به معنای اعم است (مواد ۲۶، ۵۰، ۵۳ و ۵۴ اصول محاکمات و تحقیقات جنایی فرانسه) اعلام به معنای اخص با شکایت، گزارش و صورت‌مجلس تفاوت دارد. اعلام‌کننده کسی است که از وقوع جرم شخصاً متضرر نشده و اطلاعات خود را - اعم از این‌که به صورت شهادت باشد یا غیر آن - تحت تأثیر انگیزه‌های مختلف به مقامات رسمی اعلام می‌کند (ماده ۲۹ تا ۳۱ قانون تحقیقات جنایی و مواد ۱۷ و ۴۰ قانون اصول محاکمات جنایی فرانسه). این در صورتی است که شاکی شخصاً متضرر از جرم باشد و اگر تقاضای جبران ضرر و زیان ناشی از جرم را بنماید، مدعی خصوصی نامیده می‌شود. علاوه بر این، بین شاکی و اعلام‌کننده تفاوت شکلی عمده دیگری هست و آن این‌که ابلاغ تصمیمات قضایی به شاکی لازم است؛ ولی ابلاغ تصمیم‌های قضایی به اعلام‌کننده لازم نیست.<sup>۱</sup>

۱. ولی‌الله انصاری، حقوق تحقیقات جنایی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰، ص ۸۶.



## گفتار دوم: مکلفیت مراجع اطلاع‌گیرنده وقوع جرم

مأمورین ضبط قضایی مکلف‌اند راپورها و شکایات مربوط به جرائم را تسلیم شوند. راپور عبارت است از ارائه معلومات به مقامات در مورد وقوع جرائم از طرف هر شخصی که باشد، چه به صورت کتبی مستقیماً ذریعۀ راپوردهنده صورت گیرد و یا با استفاده از پست، تلگرام و یا این‌که در جراید و یا وسایل نشراتی دیگر نشر گردد؛ احیاناً به صورت شفاهی و یا ذریعۀ تلفن هم صورت گرفته می‌تواند. شخص راپوردهنده که راپور توسط وی صورت می‌گیرد، ممکن است شخص معلوم باشد و یا نامعلوم؛ هرچند مجنی‌علیه در جرم باشد؛ یعنی شخصی که جرم بالایش صورت گرفته است. هم‌چنان مأمور ضبط قضایی مکلف است زمانی که راپور را تسلیم می‌شود، آن را تحریری ثبت نماید تا از یک طرف بر معلومات آن حفاظت صورت گرفته و از جانب دیگر شهرت شخصی که راپور را تقدیم نموده است، معلوم گردد؛<sup>۱</sup> چنانچه ماده پنجاه و هشتم قانون اجراءات جزایی بیان می‌دارد: مراجع کشف و تحقیق مکلف‌اند، معلومات مربوط به ارتکاب جرم را پذیرفته، به اسرع وقت در مورد اقدام یا به مراجع مربوط جهت اجراءات ارسال و از اخذ اطلاع به قید تاریخ و ساعت به اطلاع‌دهنده رسید ارائه و شهرت و وظیفۀ خود را معرفی نمایند.<sup>۲</sup>

### بنیاد اندیشه

## گفتار سوم: مکلفیت سارنوال در جرم مشهود

با توجه به انواع معیارهایی که در رابطه با جرم مشهود و تشخیص آن ارائه شده است، می‌توان جرم مشهود را به دو قسم تصنیف کرد:

الف) جرم مشهود واقعی یا موضوعی: جرم مشهود واقعی یا موضوعی جرمی است که عمل مجرمانه در حضور مأمور کشف جرم و یا در حضور یک دسته و جماعت واقع می‌شود یا بلافاصله پس از وقوع، خود مجرم مورد مشاهده قرار گیرد یا آثار جرم مورد ملاحظه می‌شود. این قسم جرم مشهود مبتنی بر شهادت مأمور دولت یا شهادت عینی اشخاص است.

۱. ایمن الراشد و دیگران، شرح سلوک قضایی، ص ۱۷۹.

۲. قانون اجراءات جزایی مصوب ۱۳۹۳.

ب) جرم مشهود فرضی: جرم مشهود فرضی یا حکمی عملی است که در حقیقت مشهود نیست؛ ولی قانون‌گذار آن را به علت وضعیت خاص، وقوع آن را مشهود تلقی می‌کند. احراز جرم در این قبیل موارد به کمک ادله یا قراین مادی یا براهین عقلی که امکان انتساب عمل مجرمانه به شخص معین را متصور می‌سازد، صورت می‌گیرد. در جرم مشهود فرق نمی‌کند جرم مشهود واقعی باشد یا جرم مشهود فرضی و حکمی، سارنوال می‌تواند شخصاً به صحنه جرم رفته، دستورات لازم را صادر نماید؛ چنانچه ماده پنجاه و نهم صراحت دارد: سارنوال می‌تواند در حالات جرم مشهود یا جرم جنایت بعد از کسب اطلاع، خود به محل وقوع جرم حضور یافته و یا به مرجع مربوط راجع به طرز اجراءات هدایات لازم صادر نماید».

#### ۰ گفتار چهارم: اقدامات مأموران ضبط قضایی در بررسی صحنه جرم

تحقیق در صحنه جرم معمولاً به این نتیجه که مرتکب جرم چه کسی است، منتهی می‌شود. در جریان هر جرمی، مرتکب، عجلولانه اشیاء را جابه‌جا و پراکنده می‌کند و به واسطه استفاده از ابزار و وسایل مختلف از جمله اسلحه و ایجاد تغییرات فیزیکی و... دلایلی را در محل باقی می‌گذارد.

ایجاد موازنه و هماهنگی در تحقیق جنایی کاملاً لازم است؛ زیرا بسیاری از کسانی که به عنوان کارشناس صحنه جرم قاضی (سارنوال) یا پولیس عادی به صحنه جرم می‌رسند، ممکن است به اهمیت ارتباط شواهد صحنه جرم به متهم پی نبرده، به دلایل موجود در محل کم‌تر توجه کنند. این توجه، توجهی ساده اما بسیار مهم و حیاتی است. اولین مأموری که به صحنه جرم وجود دارد، اعم از آثار و علائم یا حتی ساختمان و محل جغرافیایی آن، ممکن است دلیل بی‌زبانی در ارتباط با متهم باشد.<sup>۱</sup>

- (۱) مشاهده محل واقعه و تثبیت و تصویر اوضاع و احوالی که بیانگر حدود واقعه باشد؛
- (۲) شناسایی نوع جرم، مرتکب و متضرر؛ (۳) گرفتاری و تلاشی مظنون در صورت لزوم؛ (۴) تشخیص اسناد و مدارک مربوط به جرم، مرتکب و نتایج مرتب بر آن؛ (۵) شناسایی اشخاص

۱. همان، ص ۱۸۵.



حاضر در محل واقعه حین وقوع جرم و ثبت اظهارات مظنون، متضرر، مجنی علیه و شهود محل واقعه؛ ۶) اتخاذ تدابیر لازم به منظور حفظ آثار و ضبط اشیای متعلق به جرم؛ ۷) ترتیب محضر معاینات محل و سایر اجراءات مربوط. پولیس و موظف امنیت ملی مکلف‌اند بعد از کشف جرم در خلال مدت ۲۴ ساعت، موضوع را به سارنوالی مربوط اطلاع دهد.<sup>۱</sup> مأمورین ضبط قضایی مکلف‌اند تا گزارش ارتکاب جرم را به دست آورده و فوراً آن را به پولیس مربوطه ارسال نمایند. پولیس مکلف است تا این معلومات را رسماً در جریان بیست و چهار ساعت به سارنوال مربوطه ارسال نماید. گزارش به سارنوال نه تنها به منظور اطلاع به وی از وقوع جرم می‌باشد؛ بلکه جهت اطلاع وی از جریان تحقیق نیز می‌باشد. پولیس عدلی بعد از تکمیل استنطاق، مکلف است تا گزارش اجراءات خود را به سارنوال ابتداییه فرستاده و مظنون را جهت تحقیقات بعدی و استنطاق به سارنوال تسلیم نماید.

### گفتار پنجم: حفظ صحنه جرم

حلقه اول زنجیر تحقیقات جنایی را بررسی‌های اولین مأمور تحقیقی که به صحنه جرم می‌رسد، تشکیل می‌دهد. به این مرحله از رسیدگی به دلیل اصالت طبع و عدم مداخله عوامل مختلف، از نظر قضایی و فنی از اهمیت خاصی برخوردار است. از لحاظ فنی مأمور تحقیق باید به نکات مهم زیر توجه کند:

#### بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

- ۱- با آمادگی کامل و همراه داشتن وسایل، ابزار و تجهیزات فنی و وسایل مخابراتی و وسیله نقلیه به سوی صحنه جرم حرکت نماید.
- ۲- لحظه حرکت، مدت زمانی که در راه بوده و زمانی که به محل رسیده را به دقت یادداشت کند و در گزارش بعدی نیز قید نماید.
- ۳- به محض ورود، اولین تکلیف آن است که با همکاری سایر مأموران و یا اشخاص - چنان‌که جان کسی در معرض خطر وفوت است - از طریق کمک‌های اولیه و عملیات امدادی، مصدوم و مجروح را به بیمارستان و یا درمانگاه برساند.

۱. قانون اجراءات جزایی جدید مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۵.

۴- برای حفاظت از دلایل عینی موجود در محل، با توجه به نوع صحنه جرم، مانع هر نوع تغییر و دستکاری شود و صحنه را از تصرف خبرنگاران و افراد کنجکاو، اقربا، دوستان و آشنایان طرفین واقعه جنایی با گماردن مأمور محافظ و نظارت شخصی حفظ کند.

۵- برای ثبت مشهودات، تمام نکات مربوط به واقعه را با استفاده از حواس پنج‌گانه؛ از قبیل وضعیت عمومی صحنه جرم، شرایط جوی، مقدار روشنایی، کسانی که در صحنه جرم حضور دارند و هر چیز دیگری که اهمیت داشته باشد، ثبت کند.

۶- برای حفظ مدارک پیداشده نظر به این که ممکن است دلایل و مدارک موجود در محل از بین رفته و یا از بین برده شوند، تدابیر لازم را برای حفاظت از مدارک و دلایل موجود بیندیشد.

۷- دلایل و مدارک میکروسکوپی، پنهانی و غیر قابل رؤیت با چشم غیر مسلح، باید مورد حفاظت مخصوص و دقیق قرار گیرند و از اضافه کردن عمدی یا سهوی هر چیزی به صحنه جرم و یا دلایل و مدارک آن خودداری شود؛ مثلاً از انداختن ته سیگار، قوطی کبریت، چوب کبریت، کاغذپاره و یا دست‌زدن به نقاطی که اثر باقی می‌ماند و یا انداختن و ریختن مو، پارچه و دیگر آثار پرهیز شود؛ زیرا انداختن و برجا گذاشتن آثار بعدی به امر کشف جرم لطمه می‌زند.

۸- جابه‌جا کردن عمدی یا سهوی اشیاء موجود در محل و تغییر آرایش عمومی صحنه جرم اشتباه بسیار بزرگی است.

۹- اگر صحنه جرم در داخل ساختمان باشد، محافظت آن‌جا از طریق بستن درها و گماردن نگهبان و جلوگیری از ورود افراد متفرقه امکان‌پذیر است؛ ولی اگر صحنه جرم در فضای آزاد است، باید آن‌جا را محاصره کرده، مکان بین اولین اثر و آخرین اثر را مورد تأمین قرار داد.

۱۰- تغییر صحنه جرم تحت هیچ شرایطی ممکن نیست؛ مگر آن‌که مقتضیات ترتیب

دیگری را ایجاب کند (مانند ورود آمبولانس و یا گروه نجات برای حمل مصدومان و مجروحان). در مورد اجساد نیز چنانچه مرگ مسلم باشد، قبل از عکس برداری، تهیه کروکی، تنظیم صورت مجلس و معاینه پزشکی قانونی و مرجع قضایی صلاحیت‌دار نباید جابه‌جایی انجام گیرد.

به طوری که از مطالب بالا بر می‌آید، مأموریت اولین مأموری که به صحنه جرم می‌رسد، به دو نوع عملیات کلی قابل تقسیم است:

الف) عملیات نوع اول عملیاتی است که جنبه حفاظتی کامل دارد؛ لذا حفظ جرم اساسی‌ترین وظیفه او است.

ب) عملیات دوم مربوط به پیش‌بینی و جلوگیری از به هم خوردن این صحنه است.<sup>۱</sup>

### گفتار ششم: جلب و احضار

برای حسن انجام امور، سارنوال می‌تواند افرادی را که حضور آنها، در تأمین عدالت جزایی مؤثر واقع شود، تحت جلب قرار دهد یا احضار نماید. جلب و احضار پروسه‌ای است که توسط محکمه یا سارنوالی انجام می‌شود. سارنوال می‌تواند شخصی که حضور و اظهارات وی در پروسه تعقیب عدلی مفید و مؤثر باشد، تحت جلب قرار دهد؛ در صورتی که به صورت ارادی از حضور امتناع ورزد احضار نماید. «جلب و احضار اقدامی شدیدتر از مراجعه پولیس به اشخاص واجد اطلاعات از آنان است؛ بنابراین، توسل به آن باید با رعایت دقیق قوانین صرف در موارد ضروری و پس از انجام تحقیقات لازم صورت گیرد. با این وجود، نظر به سلسله‌مراتب در اقدامات پولیس، ابتدا باید نسبت به جلب و در صورت عدم علاقه شخص به حضور ارادی، نسبت به احضار او اقدام کرد؛<sup>۲</sup> چنانچه در ماده نود و دوم قانون اجراءات جزایی آمده است: سارنوال و محکمه می‌توانند هر شخصی را که مطابق احکام قانون بیان یا حضور او را در اجراءات تعقیب عدلی مفید و مؤثر تشخیص نمایند، به حضور

۱. ولی‌الله انصاری، کشف علمی، انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۷، صص ۱۸۷-۱۸۸.

۲. حسین غلامی، مبانی عدالت جزایی در افغانستان، کابل، ص ۳۲۶.

مكلف سازند. تكليف به حضور با صدور جلب‌نامه و از طريق پوليس صورت مي‌گيرد. هرگاه شخص مجلوب، بدون عذر موجه به وقت معين حاضر نگردد و يا از حضور امتناع ورزد، سارنوال و محكمه مي‌توانند امر احضار او را از طريق پوليس صادر نمايند». جلب و احضار اشخاص كه حضور آنان در تأمين عدالت جزايي مفيد است، از طريق جلب‌نامه انجام مي‌شود كه جلب‌نامه بايد به صورت مکتوب باشد و در آن به طور صريح قيد شده باشد كه به عنوان شاهد، متهم يا اهل خبره جلب شده است. سارنوال مؤظف جلب‌نامه را در سه نسخه تنظيم مي‌كند كه يك نسخه آن در اداره مربوط حفظ و دو نسخه آن به پوليس عدلي و قضايي تسليم داده مي‌شود. پوليس يك نسخه آن را ثبت دفتر نموده، يك نسخه آن را به شخص مطلوب تسليم مي‌كند؛ چنانچه در ماده دوم قانون اجراءات جزايي مصوب ۱۳۸۳ آمده است:

اوامر جلب و احضار در سه نسخه تحرير مي‌شود كه يك نسخه آن در اداره حفظ و دو نسخه ديگر به پوليس تسليم مي‌گردد تا يك نسخه را در دفتر ثبت و حفظ نموده، نسخه ديگر را به شخص مطلوب تسليم دهد. در جلب هويت كامل جلب شده، علت جلب مرجع جلب‌كننده، تاريخ و محل حضور و نتيجه عدم حضور بايد قيد شود. افزون بر آن، جلب‌نامه بايد داراي تاريخ بوده، به امضا و مهر مقام صلاحيت‌دار برسد. علت درج مشخصات كامل درج شده روشن است؛ مأمور ضبط قضايي بايد شخص مجلوب را بشناسد تا ورق جلب را به وي تسليم نمايد. اوامر صادره حاوي مطالب ذيل مي‌باشد:

- ۱- نام، وظيفه و محل سکونت شخص مطلوب؛
- ۲- نام و آدرس اداره صادرکننده جلب يا احضار؛
- ۳- اسباب موجه صدور جلب يا احضار و ذکر ماده قانوني كه به صدور چنين امر اجازه داده است؛

۴- محل، ساعت و تاريخي كه حضور شخص در آن مطلوب است؛

- ۵- مكلفيت پوليس مبني بر نحوه ابلاغ جلب يا احضار و برخوردی كه پوليس در صورت امتناع از قبول اوامر صادره بايد اتخاذ نمايد.

(۲) اوامر جلب و احضار، دارای شماره و تاریخ بوده، از طرف مرجع صادرکننده ثبت، امضاء و مهر می‌گردد.

ماده نود و چهارم: (۱) پولیس مربوط مکلف است اوامری را که از طرف مراجع ذیصلاح در مورد جلب یا احضار شخص صادر می‌شود، تنفیذ نماید» بر اساس اصل سلسله‌مراتب در اجراءات عدالت جزایی، پولیس مکلف است که اوامری را که مقام قضایی صادر می‌کند، تنفیذ نماید؛ زیرا مأمور ضبط قضایی مؤظف است که مطابق هدیایات مقام قضایی اوامر جلب و احضار را انجام دهد.

### گفتار هفتم: تفهیم اتهام (و انتساب جرم به متهم)

مطابق فقره دوم ماده سی و یکم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۲ و فقره یک ماده هفتم قانون اجراءات جزایی مصوب ۱۳۹۳ مطابق بند ۳ از ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، سارنوال مکلف است تفهیم اتهام کند. تفهیم یکی از وظایف سارنوال و حق متهم است که باید از اتهام وارده آگاهی و اطلاع داشته باشد. اسناد بین‌المللی به صراحت متذکر این مطلب شده است «که هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود، باید در اسرع وقت و به زبانی که برای او قابل فهم باشد، از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده شده، مطلع شود»<sup>۱</sup>. در ماده یک‌صد و چهل و هشتم قانون اجراءات جزایی نیز به این موضوع تأکید شده است: «سارنوال مکلف است در اولین برخورد با مظنون، هویت وی را تثبیت و ارتکاب عمل جرمی را که به وی نسبت داده شده، ابلاغ و اظهارات او را در زمینه جویا شود. اظهارات مظنون درج محضر شده، عکس و هویت او درج فورم خاص می‌گردد». سارنوال پس از استعلام از هویت، موضوع اتهام و دلایل آن را به صورت صریح به متهم تفهیم می‌کند؛ آنگاه شروع به تحقیق می‌نماید. تفهیم اتهام از آن جهت ضروری است که از یک‌سو امکان رد اتهام یا اتهامات منتسب را برای متهم فراهم سازد و تضمینات ناظر به حقوق دفاعی جنبه عملی به خود گرفته و آغاز می‌شود و از سوی دیگر، سارنوال تحقیق را مجاز می‌کند که به اقدامات

۱. محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۰۲.

ضروری؛ از جمله اصدار قرارهای تأمینی (تدابیر احتیاطی) متوسل شود.

بدین ترتیب، می‌توان گفت تفهیم اتهام عبارت است از اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه به متهم از سوی سارنوال تحقیق به زبان و به شیوه‌ای که با توجه به وضعیت خاص هر متهم، برای او قابل درک باشد.

با تفهیم اتهام، مضمون تبدیل به متهم شده و استفاده از سایر حقوق دفاعی؛ مانند حق سکوت و استفاده از معاضدت وکیل مدافع آغاز می‌شود. سارنوال مؤظف می‌گردد که از آن پس هرگونه پرسش را فقط در ارتباط با موضوع اتهام مطرح کند. در حقوق برخی کشورها، طرح پرسش‌هایی خارج از موضوع اتهام تفهیم شده به متهم، منجر به ابطال تحقیقات مقدماتی می‌شود.<sup>۱</sup>

### گفتار هشتم: استنطاق و بازجویی از متهم

استنطاق (استفسار یا استیضاح نیز گفته می‌شود) عبارت از مصاحبه‌ای است که عموماً توسط پولیس، سارنوال یا قاضی به هدف اخذ اقرار یا اظهارات مضمون یا متهم انجام می‌شود. موضوع استنطاق اکثراً مضمونین دخیل در جرایم می‌باشند، معلومات از متضررین و شهود معمولاً از این طریق به دست می‌آید. استنطاق یک روند سؤال و جواب است بین مضمون و مستنطق؛ بنابراین، یکی از وظایف مهم سارنوال استنطاق از متهم است که از یک طرف باعث کشف حقیقت می‌شود؛ زیرا متهم یا اقرار می‌کند یا انکار و یا سکوت؛ در هر سه حالت برخی از زوایایی پنهان قضیه برای سارنوال روشن می‌شود. افزون بر آن، حقوق دفاعی متهم را که قانون برایش به رسمیت شناخته، بیان می‌دارد؛ بنابراین، می‌توان گفت استنطاق از متهم دارای دو جنبه تحقیقی و دفاعی است. «در ارتباط با این موضوع تذکر چند مطلب ضروری است: نخست این‌که محدودیتی نسبت به دفعات تحقیق از متهم، شرکا، معاونان و غیره مشروط بر این‌که جنبه ایدایی نداشته باشد، وجود ندارد.

دوم این‌که رعایت دقیق ضوابط قانونی الزامی است و تحقیق باید با اجتناب از هرگونه

۱. ر. ک: همان، ص ۱۰۴.



رفتار و استفاده از وسایلی که اراده متهم را مختل سازد، به عمل آید.

سوم این که متهمان باید منفرداً مورد تحقیق قرار گیرند و سپس در صورت لزوم، نسبت به مواجهه آنان اقدام شود... بازپرسی وسیله دفاعی. تحقیق از متهم به عنوان وسیله دفاعی، نیز از ویژگی‌هایی برخوردار است. اول آن که در حقوق برخی از کشورها دست کم باید یکبار از متهم تحقیق به عمل آید تا امکان ارسال دوسیه (پرونده) به دادگاه وجود داشته باشد.<sup>۱</sup>

### گفتار نهم: استجواب از شهود

یکی دیگر از راه‌های احراز واقعیت جرم در انتساب آن به مرتکب، استفاده از دلیل شهادت است که از ادله اثباتی دیرینه می‌باشد به خلاف امریکا. در تألیفات و قوانین کشورهای اروپایی از جمله اتریش، فرانسه و به ویژه سویس (مواد ۱۸۹ تا ۲۰۵ قانون اجراءات جزایی) استماعات را شامل تمام اقسام بازجویی از مطلع و شاهد و بازجویی از متهم و مظنون. منظور ما از استماعات قضایی در این گفتار، مفهوم اخص آن؛ یعنی شنیدن شهادت شهود است نه معنای اعم آن<sup>۲</sup> که در حقوق افغانستان به آن استجواب گفته می‌شود؛ استجواب در قضایای جزایی به منظور جمع‌آوری معلومات مورد ضرورت، از اشخاصی که از واقعه آگاهی دارند یا شاید داشته باشند، انجام می‌شود. معلومات ممکن از متضرر یا شخصی که هیچ ارتباطی با فعالیت جرمی نداشته است، به دست آید. فرق نمی‌کند وی در کجا باشد. استجواب به ملاقات یا جلسه‌ای اطلاق می‌گردد که برای دریافت معلومات از یک فرد دایر می‌گردد. می‌توان گفت استجواب یک ملاقات غیر رسمی و غیر قابل تهدید است که یک افسر مسؤول تنفیذ قانون با افراد مختلف انجام می‌دهد و آن افراد ممکن است معلوماتی در رابطه به حقایق داشته باشند که حتی منجر به مرگ آن‌ها گردد. این یک تحقیق عادی در باره حقایق، جرایم احتمالی، فردی که مورد استجواب قرار می‌گیرد و دیگر مسائل مرتبط می‌باشد و بهترین روش برای ایجاد ارتباط با شهود است. «حضور نزد مقامات قضایی و ادای شهادت یک وظیفه مهم اجتماعی تلقی می‌شود؛ چه در بسیاری از موارد، کشف حقیقت و صدور

۱. محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۰۰.

۲. ولی‌الله انصاری، تحقیقات جنایی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۰۳.

حکم عادلانه بدون معاضدت کسانی که خود در صحنه وقوع جرم حضور داشته و چگونگی ارتکاب آن را ملاحظه کرده و یا مطالبی را شنیده‌اند، میسر نیست؛ به همین دلیل، از شهود به «چشم و گوش» دستگاه عدالت تعبیر شده است. در حقوق اسلام بر ضرورت ادای شهادت تأکید گردیده است... هم اکنون در اغلب کشورها برای شاهد سه وظیفه مهم حضور نزد مقام قضایی، اتیان سوگند و ادای شهادت وجود دارد و ضمانت اجرای مناسب برای شاهد مستتکف منظور شده است؛<sup>۱</sup> چنانچه در ماده بیست و هشتم قانون اجراءات جزایی آمده است: «(۱) سارنوالی و محکمه می‌توانند شهودی را که استماع اظهارات یا شهادت آن‌ها در جریان تحقیق و محاکمه ضروری باشد، با رعایت احکام مندرج (فصل چهارم باب دوم) این قانون جلب و احضار نمایند.

(۲) هرگاه شاهد در جلسه قضایی حاضر نگردد و عدم حضور خود را توجیه کرده نتواند و یا محلی را که در آنجا مورد استجواب قرار می‌گیرد، بدون اجازه یا دلیل موجه ترک کند، حسب احوال به جریمه نقدی که مبلغ آن در مورد قباحث از (۲۰۰۰) هزار افغانی، در مورد جنحه از (۵۰۰۰) هزار افغانی و در مورد جنایت از (۱۰۰۰۰) هزار افغانی بیش تر نباشد، از طرف محکمه محکوم شده می‌تواند.<sup>۲</sup>

(۳) هرگاه شاهد در پیشگاه محکمه حاضر گردد و عدم حضور قبلی خود یا ترک بدون اجازه محل استجواب را توجیه کند، از پرداخت جریمه معاف می‌گردد.

### گفتار دهم: معاینه محل

یکی دیگر از وظایف سارنوال تحقیق، معاینه محل وقوع جرم است. وقتی پولیس قضایی به وسایل ممکنه (شکایت، اعلام‌ها و...) از وقایع کیفری (جزایی) آگاه می‌شود، اطلاعاتش خام و ناکافی است. او باید اطلاعات واصله را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و نتایج حاصل را به صورت حقایق مسلم به (مقام قضایی) قاضی ارائه کند تا در پرتو اطلاعات درست و

۱. همان، ص ۱۱۳.

۲. قانون اجراءات جزایی مصوب ۱۳۹۳.

دلایل موجه، امر قضاوت به نحو مطلوب جریان یابد و هدف نهایی از تأسیس سازمان‌های قضایی که همانا ارائه خدمات قضایی مطلوب و تأمین عدالت و دادگری است، به دست آید. اغلب اطلاعاتی که به پولیس (عدلی) و قضایی می‌رسد، موجد ظن است نه مفید قطع و یقین؛ بنابراین، او مکلف است به محل وقوع جرم برود و از طریق ملاحظات عینی، دلایل و قراینی را که افاده قطع و یقین نماید، جمع‌آوری کند.

مأمور تحقیق باید وضعیت را آن‌چنان‌که مشاهده نموده، به دقت ثبت و ضبط کرده، به همان نحو وارد اوراق قضایی کند و قاضی را در احراز حقیقت یاری دهد؛ بدین منظور، معاینه محل، هم برای اعضای پولیس و هم برای دادستان (سارنوال) و مستنطق (بازپرس) و بالاخره برای قاضی صادرکننده حکم، واجد اهمیت زیادی است. از نظر اصول محاکمات جزایی، معاینه محل عبارت از مشاهده محلی است که منشأ وقوع دعوی کیفری (جزایی) است به وسیله قاضی یا اشخاصی که از طرف او به این کار گماشته شده‌اند... به بیان دیگر، معاینه محل یک اقدام تحقیقاتی است که برای نیل به دو هدف زیر انجام می‌شود:

الف) تعیین وجود مادی جرم، تاریخ، محل و کیفیت وقوع آن؛

ب) جمع‌آوری ادله و علائم و آثار جرم برای شناسایی مرتکب آن.

حقوق و اصول محاکمات جزایی، معاینه محل را یک وسیله اثبات یا احراز حق می‌شناسد که قلمرو و کاربرد آن محدود است؛ چه فقط مقام قضایی می‌تواند اقدام به معاینه محل کند و اصحاب دعوا چنین صلاحیتی ندارند.<sup>۱</sup>

تعریف معاینه محل: منظور از معاینات محلی، مشاهده آثار و علامات موجود در محل وقوع جرم است. معاینه محلی ممکن است در مرحله تحقیقات مقدماتی و به وسیله قاضی (مستنطق) یا به نمایندگی از سوی او به وسیله مأمورین ضبط قضایی صورت گیرد... هدف از اقدام به معاینات محلی، جمع‌آوری دلایل و قرائن و امارات وقوع جرم و ارزیابی مدارک و اشیای به دست آمده از محل وقوع جرم است؛ چنانچه در ماده یک‌صد و چهل و پنجم

۱. ولی‌الله انصاری، تحقیقات جنایی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۲۶.

فقره چهارم قانون اجراءات جزایی آمده است: (۴) سارنوال در جرم مشهود که جنایت باشد، شخصاً به محل واقعه حضور می‌یابد و راجع به حفظ آثار و جمع‌آوری دلایل اثبات جرم هدایت می‌دهد. سارنوال اظهارات شهود، نظریات و اقوال مجنی‌علیه و سایر اشخاصی را که در مورد قضیه معلومات دارند، استماع می‌نماید.

### گفتار یازدهم: تفتیش منازل و سایر ساختمان‌ها

بازرسی یا به اصطلاح قدیم، تفتیش، عبارت است از عمل تجسس و تفحص که معمولاً در منزل شخص متهم به ارتکاب جرم به وسیله مقامات قضایی یا نواب آن‌ها به عمل می‌آید. بازرسی یکی از اعمال، وظایف و فعالیت‌های پولیس قضایی است که هدفش تجسس و کشف دلایل و آثار جرم در اقامت‌گاه اشخاص و ضبط، توقیف و معرفی آن‌ها به دادگاه (محکمه) به عنوان وسایل موجد علم و یقین است. بازرسی (تفتیش) به معنای اخص به جست‌وجو کردن اطلاق می‌شود و برای جست‌وجو کردن لازم است اشیاء را جابه‌جا کرده، آن‌ها را تفحص نمود؛ بنابراین، انجام بازرسی اساساً با جابه‌جا کردن اسباب و اشیاء و یا تفحص گنج‌ها، آئینه‌ها، کسوها، میزها و البسه و با شکافتن دیوارها و محفظه‌های تخته‌ای و غیر تخته‌ای بین سقف‌ها و دیوارها و حتی بازرسی عناصر مادی و معنوی شخصیت انسانی و نظایر آن‌ها محقق می‌شود.<sup>۱</sup> بازرسی و تفتیش یکی از مهم‌ترین اجراءات تحقیق شمرده می‌شود که با آزادی مردم ارتباط می‌گیرد؛ زیرا بحث و جست‌وجو در اسرار ایشان صورت گرفته، آزادی‌شان در مصون بودن اسرار خانه‌ها و شخصیت‌های‌شان مورد تجاوز قرار می‌گیرد. ماده سی و هشتم قانون اساسی مسکن اشخاص از تعرض مصون است؛ هیچ شخص حق ورود به مسکن اشخاص ندارد. «مسکن شخص از تعرض مصون است. هیچ شخص، به شمول دولت، نمی‌تواند بدون اجازه ساکن یا قرار محکمه با صلاحیت و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده است، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش نماید. در مورد جرم مشهود، مأمور مسؤول می‌تواند بدون اجازه قبلی محکمه، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش کند.

۱. همان، ص ۲۶۸.

مأمور مذکور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش در خلال مدتی که قانون تعیین می‌کند، قرار محکمه را حاصل نماید؛<sup>۱</sup> بدین ترتیب، ورود قهری به منزل شهروندان ممنوع و افراد عادی و به طریق اولی مأموران و مقامات قضایی و غیر قضایی مکلف‌اند از هرگونه تجاوزی به مسکن شهروندان اجتناب ورزند... با این همه رعایت حریم زندگی خصوصی شهروندان، در آنچه مربوط به مسکن آنان می‌شود، نباید مانع کشف حقیقت در موارد ارتکاب جرم شده و مصونیت مسکن، موجب سوء استفاده تبهکاران گردد؛<sup>۲</sup> به همین دلیل، قوانین کشورهای مختلف، استثنایی بر اصل مذکور وارد نموده است.<sup>۳</sup> در ماده ۴۰۱ و هشتم فقره دوم قانون اساسی آمده است: «هیچ شخص، به شمول دولت، نمی‌تواند بدون اجازه ساکن یا قرار محکمه با صلاحیت و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده است، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش نماید. در مورد جرم مشهود، مأمور مسؤول می‌تواند بدون اجازه قبلی محکمه، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش کند. مأمور مذکور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش در خلال مدتی که قانون تعیین می‌کند، قرار محکمه را حاصل نماید.»<sup>۴</sup>

### گفتار دوازدهم: جمع‌آوری دلایل

مراد از اجراءات جمع‌آوری مدارک، اجراءاتی است که توسط مأمور ضبط قضایی، بعد از وقوع جرم و قبل از اجراءات دعوای جزایی، صورت می‌گیرد به منظور جمع و تهیه ساختن دلائل قضیه؛ لهذا اجراءات ضبط اداری که قبل از وقوع جرائم و به منظور منع وقوع آن صورت می‌گیرد، جزء مفهوم اجراءات جمع مدارک نمی‌باشد و طبیعی است که این‌گونه اجراءات که قبل از وقوع جرائم اتخاذ می‌شود، نمی‌تواند مدت مرور زمان را قطع کند... مراد از اجراءات تحقیق و استنتاج، اجراءاتی است که مستقیماً توسط سارنوالی و یا توسط مأمورین قضایی که از طرف سارنوالی توظیف شده‌اند، انجام می‌یابد؛ مانند امر جلب، گرفتاری، احضار و حبس احتیاطی متهم و اجراء استجواب با متهم و استماع شهود و تفتیش و غیره.<sup>۴</sup>

۱. قانون اساسی مصوب ۱۳۸۳.

۲. محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۳۶.

۳. قانون اساسی مصوب ۱۳۸۳.

۴. ایمن الراشد و دیگران، شرح سلوک قضایی، کابل، ص ۳۶۰.

## منابع

۱. ایمن الراشد و دیگران، شرح سلوک قضایی،
۲. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴.
۳. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سازمان چاپ و انتشار، تهران، ۱۳۹۰.
۴. انصاری، ولی‌الله، حقوق تحقیقات جنایی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰.
۵. جعفری، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات جنگل، تهران،
۶. نجیب، محمود، حسنی، شرح قانون الاجراءات الجنادیه، ۱۹۹۸.
۷. قانون اجراءات جزایی مصوب ۱۳۹۳.
۸. قانون اساسی مصوب ۱۳۹۳.